

ربای قرضی و رهیافت‌های شرعی آن در بانکداری اسلامی

محمد طاهر مهدوی^۱

چکیده

«ربا» هرچند یک مفهوم کلی فقهی اقتصادی است؛ اما با توجه به روال کاری بانک‌های بزرگ در جهان معاصر، امروزه با «بانکداری» عجین شده است. جایگاه مهم خدمات بانکی در نظام اقتصادی حاکم در دنیای امروز از یک طرف، آمیخته بودن فعالیت‌های آن با ربا از جانب دیگر، بحث در مورد خدمات بانکی و ارائه پلان‌های اسلام‌محور را در جوامع اسلامی ضروری ساخته است. این تحقیق با روش تحلیلی توصیفی که داده‌های آن به روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده، درصدد پاسخ به این پرسش است که بانک‌ها در کشورهای اسلامی از چه راهکارهای شرعی برای دوری از ربا می‌توانند استفاده کنند؟ با توجه به ادله نقلی (آیات روایات) و دیدگاه فقها، ربا به صورت عموم و ربای قرضی به صورت خصوص حرام است. بر اساس یافته‌های تحقیق، هرچند خدمات رایج در بانک‌های سالم آغشته با ربا نیست؛ اما روی دست گرفتن اموری چون عقد مضاربه، شرکت، تبدیل قرض به بیع، بیع سلم، عقد وکالت و بیع مرابحه راه‌های شرعی مطمئن‌تری دوری از ربا است که مورد تأیید روایات و سفارش فقها بوده و برای بانک‌های اسلامی پیشنهاد می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: ربا، ربای قرضی، بانکداری اسلامی، خدمات بانکی، ربای بانکی

۱. ماستر جزا و جرم‌شناسی، استاد مدرسه علمیه صادقیه کابل، وابسته به المصطفی العالمیه - افغانستان.

ایمیل: tahrmhdwy9@gmail.com

مقدمه

دین مبین اسلام به عنوان ناسخ تمام ادیان، با شعار جامع بودن در تمام ابعاد مادی و معنوی ظهور کرد. بر اساس جهان بینی اسلامی این دین برای تمام نسل ها و در تمام زمان ها و مکان ها جاوانه است. از این رو اسلام باید برای تمام مسائل مستحدثه ای که در بستر زمان برای بشر به وجود می آید، قوانین جامع و سالمی ارائه کند. این مسئولیت عظیم به عهده فقها است تا با تمسک به قرآن و سنت، تکالیف شرعی را برای مسلمانان مشخص نمایند.

از جمله مسائل مستحدثه ای که در دنیای اقتصاد به وجود آمده، مسئله بانکداری است. با توجه به پیچیدگی های جهان معاصر در عرصه تجارت و اقتصاد و ناامنی به وجود آمده پولی، بانکداری یکی از ضروریات است؛ زیرا کارهایی که بانک عهده دار آنها است، هیچ گزینه ای جایگزین آن شده توانسته و مطمئناً در نبود آن، خلأ بزرگ و جبران ناپذیری در عرصه مبادلات تجاری رخ می دهد که مهم ترین آن خدمات چون مرکز مطمئن برای حفظ اموال مردم، وسیله مطمئن و آسان برای نقل و انتقال مالی در بازارها، ابزاری برای نقل و انتقال سرمایه ها در میان شهرها و کشورها، محل تجمع اموال و سرمایه های راکد، فعالیت های اقتصادی توسط سرمایه های دیگران، اعطای تسهیلات بانکی به مدیران فاقد سرمایه و سیاست گذاری های پولی به منظور جلوگیری از تورم اقتصادی است. براین اساس بانکداری در دنیای امروز امر اجتناب ناپذیر است و تفکر حذفش از نظام اقتصادی صدمات جبران ناپذیری بر اقتصاد جامعه وارد خواهد ساخت.

از سوی دیگر معمولاً بانک های فعال در جهان، با مسئله ربا آمیخته بوده و حتی اساسشان مبتنی بر رباخواری است. تحقیق حاضر درصدد پاسخ به این پرسش است که بانک های اسلامی باید از چه راه کارهای شرعی برای دوری از ربا روی دست بگیرند؟ در شریعت اسلامی، نه تنها رباخواری حرام است، بلکه برای مرتکبین آن نیز مجازات بزرگ دنیوی و اخروی در نظر گرفته است.

بنابراین ضرورت واکاوی نسبت به احکام بانکی و ارائه طرح بنیادی بانکداری در



چارچوب قوانین اسلامی، ضروری است تا تفکر اقتصادی اسلام محور، در کنار نظام‌های اقتصادی سوسیالیستی و سرمایه‌داری حاکم در جهان به صورت جامع، سالم و پاسخ‌گو ظاهر گردد و مسلمانان بتوانند در سایه آن به امور اقتصادی خود را با کمال امنیت روانی به پیش برده و جامعه را از بحران تورم و انحصار اقتصادی که نتیجه نظام‌های فاسد اقتصادی امروز است، نجات داده و فاصله‌های طبقاتی اقتصادی حاکم در جامعه را از بین ببرد.

در این عرصه هر چند کم‌کاری صورت گرفته؛ اما به صورت کلی مورد غفلت محققین و اندیشمندان اسلامی نبوده است. از میان محققین قلم به دست، فقهای چون آیت الله محمد اسحاق فیاض کتاب «بانکداری از نگاه اسلام» و آیت الله ناصر مکارم شیرازی کتاب «ربا و بانکداری اسلامی» را نوشته‌اند. هم‌چنین امام خمینی در کتاب «تحریر الوسیله» به صورت مفصل به مسئله ربای بانکی پرداخته است. این آثار اگرچه کافی نیست؛ اما گام‌های بلندی در این زمینه محسوب می‌شود.

در تحقیق حاضر که از نوع تحلیلی توصیفی بوده و داده‌های آن به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده است، رهیافت‌های شرعی اجتناب از ربا در بانکداری اسلامی را با اتکای به آیات و روایات و با استفاده از آثار علمی فقهای بزرگ جهان اسلام بررسی شده است. هم‌چنین به مهم‌ترین امور خدمات بانکی اسلامی و بعد به چاره‌جویی‌های شرعی بانکی نیز پرداخته شده است.

۱. معنای ربا

ربا در لغت به معنای زیادی، علو و برتری (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۴۰) است و در اصطلاح فقهی عبارت است از زیادی در معاملات یا قرض، با شرایط خاص (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹: ۵۶) که در منابع فقهی آمده است.

۲. اقسام ربا

به صورت عموم ربا به دو قسمت قابل تقسیم است که ذیلاً بررسی می‌شود:



۱-۲. ربای معاوضی

ربای معاوضی ربای است که دو جنس مورد معامله از جنس مکیل و موزون باشد. این نوع دارای شرایطی است که اگر در معامله‌ای محقق شد، آن معامله از مصادیق ربا به حساب می‌آید:

الف. دو طرف مورد معامله از جنس مکیل و موزون باشد. بنابراین در اجناس معدود مثل تخم مرغ در برابر تخم مرغ، ربا محقق نمی‌شود؛ ب. دو جنس مکیل و موزون هم وزن نباشد؛ یعنی یکی وزن کمتر داشته باشد و دیگری بیشتر؛ ج. دو طرف مورد معامله از یک جنس باشد؛ مثلاً گندم در برابر گندم نه در برابر جو. (العاملی، ۱۳۹۸، ۲: ۹۷-۹۸)

۲-۲. ربای قرضی

این قسم از ربا دارای شرایط ربای معاوضی نیست. بنابراین در ربای قرضی فرقی بین مکیل و موزون و معدود نیست؛ یعنی خواه جنس قرض با پیمانه سنجیده شود یا با وزن یا با عدد، در تمام موارد اگر مقدار اضافی در یکی از دو طرف معاوضه بود، چنین موردی از مصادیق ربای قرضی است. پس تنها رکن آن، شرط مقدار اضافی است؛ به این معنا که جنس یا پولی را به کسی قرض بدهد و شرط کند که وقتی بازگرداندن چیزی اضافه بدهد، خواه چیز اضافی از همان جنس باشد یا جنس دیگر یا حتی خدمتی از خدمات باشد از موارد ربای معاوضی به حساب می‌آید. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹: ۵۰)

از میان دو قسم معاملات ربوی، آنچه غالب مردم به آن آغشته می‌شود، ربای قرضی است. بنابراین ربای قرضی از اهمیت بیشتر برخوردار است و آیات و روایات حرمت ربا نیز ناظر به ربای قرضی است که به شرح زیر بیان می‌گردد.

۲. ادله حرمت ربا

دلالت آیات و روایات که بعداً بیان خواهد شد، عام است. لذا هم ربای معاوضی و هم ربای قرضی را شامل می‌شود؛ اما از آنجا که ربای معاوضی محل ابتلا نیست،



بحثی از آن نمی‌کنیم و ربای مورد ابتلای بررسی می‌کنیم که همان ربای قرضی است. از آیات و روایات زیادی که دال بر حرمت ربا است، به‌درستی درک می‌شود که آن‌ها نیز ناظر به ربای قرضی است؛ زیرا تأکید روی یک امر غیرقابل توجه و به دور از محل ابتلای مردم کار قریب به لغو خواهد بود و مولای حکیم کار لغو انجام نمی‌دهد. پس آیات و روایات زیر که در مورد حرمت ربا آمده است، بیشتر ناظر به ربای قرضی است.

۲-۱ آیات

الف. کسانی که ربا می‌خورند، (در قیامت) برنمی‌خیزند مگر مانند کسی که بر اثر تماس شیطان، دیوانه شده (و نمی‌تواند تعادل خود را حفظ کند، گاهی زمین می‌خورد، گاهی به پا می‌خیزد). این به خاطر آن است که گفتند داد و ستد هم مانند ربا است. درحالی که خدا بیع را حلال کرده و ربا را حرام؛ (زیرا فرق میان این دو، بسیار است) و اگر کسی اندرز الهی به او رسد و (از رباخواری) خودداری کند، سودهایی که در سابق [قبل از نزول حکم تحریم] به دست آورده، مال او است، (و این حکم، گذشته را شامل نمی‌گردد) و کار او به خدا واگذار می‌شود (که گذشته او را خواهد بخشید)؛ اما کسانی که بازگردند (و بار دیگر مرتکب این گناه شوند)، اهل آتشند و همیشه در آن می‌مانند.^۱ (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲: ۳۶۴)

ب. خداوند ربا را نابود می‌کند و صدقات را افزایش می‌دهد و خداوند، هیچ انسان ناسپاس گنه‌کاری را دوست نمی‌دارد.^۲

ج. ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از (مخالفت فرمان) خدا بی‌پرهیزید و آنچه از (مطالبات) ربا باقی‌مانده، رها کنید، اگر ایمان دارید.^۳

د. ای کسانی که ایمان آورده‌اید ربا (و سود پول) را چند برابر نخورید، از خدا بپرهیزید تا

۱. الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ. (بقره: ۲۷۵)

۲. يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُزِيلُ الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُجِبُ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ. (بقره: ۲۷۶)

۳. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ. (بقره: ۲۷۸)



رستگار شوید و از آتشی پرهیزید که برای کافران آماده شده است.^۱ (همان، ۳: ۸۵)
 هـ. به خاطر رباخواری درحالی که از آن نهی شده بودند و خوردن اموال مردم به باطل و
 برای کافران آن‌ها عذاب دردناکی آماده کرده‌ایم.^۲ (همان، ۴: ۲۰۷)
 با توجه به لحن آیات فوق، به درستی دانسته می‌شود که ربا با هر دو قسم خود
 حرام بوده و برای مرتکبین آن عذاب اخروی در نظر گرفته شده است.

۲-۲ روایات

روایاتی در باب حرمت ربا در دو کتاب حدیثی شیعه به نام وسایل الشیعه و مستدرک
 الوسائل زیاد است که برخی از آن‌ها را به گروه‌های زیر تقسیم‌بندی نموده از هر
 گروه به یکی دو روایت به عنوان نمونه پرداخته شده است.

گروه اول: میزان گناه رباخواران: پیامبر (ص) در وصیت خود به علی (ع) فرمود:
 ای علی ربا هفتاد جزء دارد که آسان‌ترین و سبک‌ترین آن‌ها از جهت گناه و عذاب
 اخروی همانند کسی است که با مادر خود در بیت الحرام عمل زشت زنا را مرتکب
 شده باشد. ای علی یک درهم از راهی ربا نزد خداوند سنگینی گناهان از هفتاد بار
 زنا کردن کسی با محارم خود است. (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۸: ۱۲۲. نوری، ۱۴۰۸،
 ۱۳: ۳۳۰)^۳

با توجه نمودن به روایت‌های این گروه، آنچه فراوان است تفاوت میزان معصیت
 است. یک حدیث، مثل حدیث فوق حدود معصیت ربا را به اندازه گناه کسی که هفتاد
 بار با محارم خود زنا کرده باشد بیان نموده است، درحالی که در بعض روایات دیگر
 اندازه معصیت گناه را معادل ۳۳ بار زنا کردن با محارم تبیین نموده است. (همان،
 ۱۳، ۳۳۱) در بعضی معادل ۳۰ بار (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۸: ۱۱۹) در بعضی ۲۰ بار
 (همان) در بعضی دیگر معادل یک‌بار (نوری، ۱۴۰۸، ۱۳: ۳۳۲) زنا شمرده است.

۱. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ وَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ (العمران: ۱۳۰ و ۱۳۱)

۲. وَأَخَذَهُمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالُ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (نساء: ۱۶۱)

۳. وَبِإِسْنَادِهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَمْرٍو وَأنسِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّبِيِّ ص فِي وَصِيَّتِهِ لِعَلِيِّ ع قَالَ: يَا
 عَلِيُّ الرِّبَا سَبْعُونَ جُرْءًا أَفْأَيَسْرُهَا مِثْلُ أَنْ يَنْكَحَ الرَّجُلُ أُمَّهُ فِي بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ - يَا عَلِيُّ دِرْهَمٌ رَبًّا أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ سَبْعِينَ زَنْبِيَةً كُلُّهَا
 بِذَاتٍ مُحَرَّمٍ فِي بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ.



با توجه به تفاوت میزان معصیت رباخواری در روایات، این سؤال به وجود می‌آید که چرا در مورد حدود معصیت ربا تفاوت معیار دیده می‌شود؟ آیا رباخواری از خود مراحل دارد یا نوعیت و کیفیت رباخواری متفاوت و اشکال گوناگون دارد؟

رباها مختلف است همه انواع ربا ظالمانه و زشت است، ولی بعضی از بعضی بدتر و زشت‌تر است. این تفاوت اعداد مربوط به تفاوت انواع ربا است؛ مثلاً ربای اضعاف مضاعف با ربای معمولی متفاوت است و قبح و زشتی آن‌ها یکسان نیست. ربا گرفتن از یک انسان ضعیف که مثلاً برای درمان فرزندش مختصری قرض می‌گیرد، با ربا گرفتن از افرادی که در چنین شرایط اضطراری قرار ندارند، فرق می‌کند و اولی به مراتب زشت‌تر و ظالمانه‌تر از دومی است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹: ۸۲)



گروه دوم: ملعون بودن ربا دهنده و گیرنده: این گروه از روایات تمام کسانی را که به نحوی دخالت در عمل ربا داشته‌اند، لعن می‌کند. روایات در این باب زیاد است، به عنوان نمونه به یکی از آن‌ها پرداخته می‌شود:

امیر مؤمنان (ع) می‌فرماید: «پیامبر گرامی اسلام پنج گروه را که در انجام عمل ربا دخالت دارند لعنت نموده است که عبارتند از: ۱. کسی که مهمان رباخوار می‌شود و از غذایی که از پول ربا تهیه شده است با علم و آگاهی استفاده می‌کند؛ ۲. رباخوار؛ ۳. ربا دهنده؛ ۴. کسی که ربا را محاسبه می‌کند؛ ۵. شهود قرار داد ربا». (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۸: ۱۲۲؛ نوری، ۱۴۰۸، ۱۳: ۳۳۴)^۱

گروه سوم: خبیث بودن ربا در میان معاملات: امام باقر (ع) می‌فرماید: «خبیث‌ترین نوع معاملات ربا است». (همان، ۳۲۹)^۲

گروه چهارم: عواقب دنیوی ربا برای رباخواران: امام صادق (ع) می‌فرماید: «هرگاه خداوند بخواهد قومی را هلاک نماید، رباخواری و معاملات ربوی را بینشان رواج می‌بخشد» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۸: ۱۲۲)^۳

۱ لعن رسول الله صلى الله عليه واله وسلم الربا و آكله و بايعه و مشتریه و كاتبه و شاهديه.

۲ شَرُّ الْكَسْبِ كَسْبُ الرِّبَا الْخَبَر.

۳ اذا اراد الله بقوم هلاكاً ظهر فيهم الربا



بنابراین با توجه به چهار گروه از روایات فوق که هر گروه روایات متعددی را در مورد حرمت ربا با خود دارد، حرمت این نوع از معامله را به مرحله تواتر می‌رساند. **گروه پنجم: روایات مخصوص ربای قرضی:** در کنار روایات فوق که از لحاظ دلالت شامل هردو قسم از ربا می‌گردد، دسته دیگر از اخبار مخصوص ربای قرضی است؛ به عنوان نمونه تنها به دو روایت آن اکتفا می‌شود:

از امام صادق (ع) در مورد مردی سوال شد که به بیع سلم مبلغ بیست دینار را داده با این انگیزه که ده دینار یا شبیه آن را به عنوان قرض به ایشان بدهد. امام در پاسخ فرمود: «چنین معامله‌ای درست نیست؛ زیرا قرضی است که منفعت در آن موجود است». حر عاملی، ۱۴۰۸، ۱۳: ۴۰۹^۱

از امام باقر (ع) نقل شده است که فرمود: «هر قرضی که منفعت در آن باشد ربا است». (همان)^۲

از این دو روایت به دست می‌آید که ربای قرضی با هر نوع شرط، حرام است.

۳. فلسفه حرمت ربا

بحث از فلسفه احکام، کار معقول و پسندیده‌ای است که به اندازه توان با اتکای به آیات و روایات باید به آن پرداخته شود؛ زیرا آگاهی از فلسفه حرمت محرمات و وجوب واجبات، تأثیر زیادی در اجرایی شدن بهتر واجبات و ترک محرمات دارد. بنابراین با توجه به روایات زیادی که در مورد حرمت ربا آمده است، روایات متعددی فلسفه حرمت ربا را نیز تبیین نموده که به چند مورد از آن‌ها پرداخته می‌شود:

۱-۳. بدون جهت گرفتن مال

روایتی را ابن سنان از حضرت امام رضا (ع) نقل می‌کند که فرموده است:

در حرمت ربا دو دلیل وجود دارد؛ اول سخن خداوند متعال در قرآن مجید [که به چند آیه آن قبلاً اشاره شد]، دوم اینکه رباخواری اکل مال به باطل است. سپس امام مثال می‌زند که اگر کسی یک درهم را به دو درهم بفروشد، در این معامله یک درهم در مقابل یک درهم قرار

۱ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع: أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الرَّجُلِ يَسْلُمُ فِي بَيْعِ عَشْرِينَ دِينَارًا عَلَى أَنْ يَقْرَضَ صَاحِبَهُ عَشْرَةَ دَنَانِيرَ أَوْ مَا أَشْبَهَ ذَلِكَ قَالَ لَا. ۲ عَنْ الْبَاقِرِ (ع): كُلُّ قَرْضٍ جَرٌّ مُنْفَعَةٌ فَهُوَ رِبَا. (همان)



می‌گیرد؛ اما در هم دومی که فروشنده از خریدار می‌گیرد باطل است و دلیل عقلی و منطقی ندارد. به همین جهت اکل مال به باطل است و از این رو رباخواری حرام شده است. سپس چنین معامله‌ای را که باعث فساد اموال می‌شود به معامله انسان سفیه تشبیه می‌کند؛ یعنی معامله ربوی شبیه معامله سفیهی است و معامله سفیهی باطل است. (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۸: ۱۲۳)

۲-۳. عامل دوری جستن مردم از نظام اقتصاد سالم

ربا سبب می‌شود که مردم از معاملات سازنده و سالم از راه حلال روی گردان شده و به سمت معامله فسادآور روی بیاورند. در این باره روایات متعددی وجود دارد که تنها به یک مورد آن اشاره می‌شود:

هشام ابن الحکم از حضرت امام صادق (ع) در مورد علت حرمت ربا می‌پرسد
امام در پاسخ می‌فرماید:

اگر رباخواری حلال بود، مردم کارهای مفید تجاری و هر آنچه را که به آن احتیاج داشتند ترک می‌کردند. به همین جهت خداوند ربا را حرام کرد تا مردم از آن متنفر شوند و به سوی کارهای حلال و تلاش‌های اقتصادی مفید بروند و قرض فقط به صورت قرض الحسنه باقی بماند. (همان)

۳-۳. معامله ظالمانه

در قرآن کریم که ادله حرمت ربا بیان شده، در ذیل آن با این تعبیر فلسفه حرمت ربا را نیز این گونه بیان می‌نماید: «... لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ»؛ (بقره: ۲۷۹) یعنی نه ظلم کنید و نه زیر بار ظلم بروید به این معنا که اگر ربا بگیرید ظلم کرده‌اید. پس باربا گرفتن ظلم نکنید.

۴-۳. عامل از بین بردن عواطف انسانی

در این باره روایتی از سماعه است که از امام صادق نقل می‌کند می‌گوید:
به حضرت امام صادق (ع) عرض کردم چرا خداوند متعال ربا را در قرآن به طور مکرر مطرح کرده است؟ امام فرمود علت آن را می‌دانی؟ عرض کردم نه. حضرت فرمود به خاطر این که مردم در اثر رباخواری از کارهای خیر و شایسته مانند قرض الحسنه بازمانند. (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۸: ۱۲۴)

۴. ربای قرضی از نظر فقه‌های سنی و شیعه

ابن قدامه که یکی از بزرگان فقه‌های اهل سنت است، در کتاب المغنی خود تصریح می‌کند که «تمام فقها اجماع دارند بر این که ربای قرضی حرام است». (ابن قدامه، ۱۳۸۸، ۴: ۳۳)

علامه حلی یکی از علمای بزرگ امامیه در کتاب تذکرة الفقها می‌فرماید: شرط قرض دادن این است که همراه با منفعت نباشد؛ زیرا رسول خدا (ص) از چنین قرضی منع کرده است. بنابراین جایز نیست کسی قرض دهد با این شرط که مال شکسته او را به صورت سالم برگرداند یا مال پست او را در عوض مال خود برگرداند یا بیشتر از آن را به قرض دهنده برگرداند و این مورد اتفاق علمای شیعه است. (حلی، ۱۳۸۸، ۲: ۶)

صاحب جواهر یکی دیگر از علمای شیعه امامیه می‌فرماید: شرط قرض، اکتفا بر مسترد کردن عوض تنها است. پس اگر قرض دهنده شرط منفعت نماید، حرام است و اجماع تمام مسلمان‌ها بر این است؛ زیرا چنین قرضی مصداق ربا پنداشته می‌شود. (نجفی، ۱۴۰۳، ۲۵: ۵)

امام خمینی (ره) نیز در مورد اصل تحریم قرض آمیخته با ربا و شرایط آن بحث کرده است که ترجمه سخن ایشان چنین است:

در قرض الحسنه شرط زیاده جایز نیست؛ مثل اینکه مالی را قرض دهد مشروط با اینکه زیادتر از آنچه داده است بگیرد و تفاوتی نیست بین این که شرط به صورت صریح در قرارداد قرض آمده باشد یا به صورت شرط ذهنی به گونه‌ای که قبلاً گفتگوهای سود و بهره شده و قرارداد قرض با توجه به آن انجام می‌گیرد بی آنکه صریحاً سخنی از سود هنگام قرارداد رسمی به میان آید و این همان ربای قرضی حرام است که شدیداً از آن نهی شده است و نیز فرقی نیست بین این که زیاده و سود عین باشد^۱ یا زیاده و سود از قبیل منافع باشد^۲ یا این که زیاده انتفاعیه باشد^۳ و نیز تفاوتی نیست در ربای قرضی بین این که جنسی باشد که با پیمانه

۱. مثل اینکه ده درهم بدهد (یک ماهه) و دوازده درهم بگیرد یا سود عملی باشد مثل اینکه ده درهم می‌دهد و بعد از یک سال همان ده درهم را پس می‌گیرد به شرط اینکه قرض گیرنده لباسی برای او بدوزد.

۲. مثل اینکه قرضی به او می‌دهد که بعد از مدت مقرر همان مقدار را برگرداند و شرط می‌کند که منزلش را به قیمت کمتر به او اجاره دهد.

۳. مثل اینکه مقداری قرض می‌دهد و بعد از مدتی همان مقدار را می‌گیرد و چیزی را به عنوان رهن از او می‌گیرد و شرط می‌کند که در بهره‌گیری از رهن آزاد باشد یا این که زیاده و صفیه باشد مثل اینکه درهم‌های شکسته و ناقص را قرض می‌دهد به شرط اینکه همان مقدار درهم سالم باز پس بگیرد.



وزن آن را می‌فروشند یا با شمارش.^۱ (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ۱: ۶۵۱)

تا به حال بحث در مورد حرمت ربای قرضی بود که با توجه به فرمایش امام خمینی در مورد ربای قرضی، با تمام شرایط پنج‌گانه خود حرام است. حالا باید دید که بانکداری جزء مصادیق ربای قرضی به حساب می‌آید یا خیر؟ پیش از آنکه به این سؤال پاسخ داده شود، ابتدا خدمات بانکی مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۵. عمده‌ترین خدمات بانکی

هرچند بانک‌ها مخصوصاً بانک‌های رباخوار فعالیت‌های بانکی زیادی انجام می‌دهد؛ اما عمده‌ترین خدمات بانکی که اگر به صورت واقعی‌اش انجام شود و امروزه توسط بانک‌های سالم انجام می‌شود، اشکال واقعی ندارد. آن خدمات امور زیر است:

الف. حساب‌های جاری: اولین خدمت بانک، ارائه حساب‌های جاری است؛ به این معنا که مردم پولی را در بانک می‌گذارند به این شرط که هرزمانی و به هر مبلغی که خواستند بانک بدون هیچ نوع قید و شرطی بپردازد. در این نوع حساب بانک نه سودی می‌دهد و نه می‌گیرد. این نوع از خدمات که ماهیتاً ودیعه و امانت بر اساس ارزش پولی است، مخالف قوانین شرعی نبوده و حرام نیست. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹: ۱۲۳)

ب. وام‌های قرض الحسنه: به این معنا که بانک‌ها مقدار پولی را برای تسهیل در کار مردم به عنوان قرض پرداخت می‌کند بدون اینکه در بدل آن زیادت عینی، منفعتی و یا کاری را شرط نماید.

ج. حساب‌های پس‌انداز: به این منظور، کسانی که قصد ذخیره کردن پول‌هایشان را دارند، یگانه جای مطمئن بانک است.

د. نقل و انتقال سرمایه‌ها و حواله‌جات بدون هزینه؛

ه. سپرده‌های مردم نزد بانک‌ها؛

۱. مثل اینکه مقداری تخم‌مرغ را یا چهارمغز را قرض می‌دهد و بعد همراه با زیاده باز پس گیرد.

و تسهیلات بانکی.

مسئله اگر بانک‌های سالم این خدمات را به صورت درست و صحیح انجام دهد، اسلامی بوده و نه تنها برخلاف شرع نیست، بلکه مصداق آیه «تَعَاوُنُوا عَلَيَّ الْبِرِّ وَ التَّقْوَى» (مائده: ۳) است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹: ۱۲۱) تمام موارد فوق که به عنوان خدمات بانکی اسلامی است، اگر به صورت واقعی و با حفظ شکل و ساختار واقعی اش از سوی بانک‌ها صورت بگیرد، مشکل شرعی ندارد و مفید است؛ اما اگر هر یک از موارد فوق، به عنوان پوششی برای رباخواری باشد، مشکل شرعی به وجود می‌آید و عنوان هیچ‌گاه ماهیت ربا را تغییر داده نمی‌تواند. گرفتن حق الزحمه کارمندان بانکی و کرایه‌های ساختمانی بانک‌ها، از طریق پول مردم اگر به صورت واقعی باشد و به عنوان پوشش برای رباخواری استفاده نشود، مشکل ندارد و مصداق ربا نیست. (همان، ۱۲۴-۱۲۹)

۶. راه‌های مشروعیت بخشیدن به سودهای بانکی

گرچه بانک‌ها در کشورهای اسلامی تحت عناوین فوق برای مردم ارائه خدمات می‌نمایند؛ اما متأسفانه در بسیاری بانک‌ها عناوین فوق بیشتر صوری و شکلی بوده و ماهیت اصلی شان رباخواری است که هیچ‌گاه عناوین مشروع به معنوی غیر مشروع مشروعیت و مقبولیت نمی‌دهد. برای این که بانک‌ها به صورت اسلامی و شرعی خدمات بانکی نمایند، مناسب است که تحت عناوین زیر پول را از مردم گرفته تا تمام سودی که از طریق اموال مردم به دست می‌آورد، مشروع و حلال گردد:

۱-۶. عقد مضاربه

عقد مضاربه نخستین جایگزینی است که نظر دانشمندان اسلامی را در مباحث جایگزین بانکداری ربوی به خود جلب کرده و این نظریه در برخی بانک‌های اسلامی موفقیت بزرگی به دست آورده است. درباره موفقیت این راهکار باید به چند نکته اشاره کرد:

اول: عقد مضاربه در اصطلاح فقه اسلامی، عقد مخصوص مالک (صاحب



سرمایه) و عامل (صاحب‌کار) است. صاحب سرمایه با عامل به این صورت عقد تجاری می‌بندد که سرمایه از من و کار از شما باشد و سود هرکدام به نسبت درصدی معین می‌شود. در بیشتر موارد، اجرای عقد بین مالک و عامل به صورت مستقیم صورت می‌گیرد؛ اما گاهی شخص سومی بین آن‌ها واسطه می‌شود و عقد مضاربه را با وکالت از سوی صاحب سرمایه با عامل اجرا می‌کند. در این میان بانک واسطه‌ای است که از سوی سپرده‌گذار وکیل می‌شود تا اموالش را با عقد مضاربه و رعایت شرایط خاص به کارگزاران واگذار کند و سهم هریک را از سود به دست آمده با درصد معین مشخص سازد.

دوم: موفقیت عقد مضاربه به عنوان یک گزینه جایگزین برای نظام سنتی ربوی در توسعه اقتصادی، صنعتی و کشاورزی، از یک سو به تقویت امانت‌داری و اعتماد بین «مالک»، «عامل» و «واسطه» بستگی دارد و از سوی دیگر، به از بین بردن موانع در هنگام به کارگیری مضاربه وابسته است. (فیاض، بی تا: ۵۶ و ۵۷)

۲-۶. عقد وکالت

بانک از سوی سپرده‌گذاران وکالت دارد تا به حسب آنچه مصلحت می‌بیند، در سپرده‌هایشان تصرف کند. پس می‌تواند به جای این که به مشتریان خود از سپرده‌های موجود، وام با بهره ربوی بدهد، سرمایه‌ای را در اختیار آن‌ها قرار دهد و به آن‌ها وکالت دهد تا برای خرید نیازمندی‌های خودشان از قبیل شخصی، تجاری، صنعتی، کشاورزی و مانند آن اقدام کنند. بعد از خرید و تحویل گرفتن وسایل، مشتری وسایل را با وکالتی که از بانک دارد باقیمت مؤجل (مدت‌دار) به خودش می‌فروشد. هم‌چنین تفاوت قیمت زمان خرید و نسیه می‌بایست کم‌تر از سود قرض ربوی نباشد و سود آن را تضمین کند. (همان، ۵۸)

۳-۶. بیع مرابحه

در بیع مرابحه به جای این که به مشتریان قرض با ربا داده شود تا لوازم شخصی یا تجاری خود را بخرند، خود بانک لوازم مورد نیازشان را به صورت نقدی می‌خرد. آنگاه

با قیمت مدت‌دار (مؤجل) که متضمن سود است، به آن‌ها می‌فروشد. برای عملیاتی کردن این نظریه لازم نیست بانک انبارهایی داشته باشد تا همه کالاهای موردنیاز مشتریان اعم از لوازم شخصی، تجاری، تأسیساتی، صنعتی و شغلی و مانند آن در آنجا ذخیره شود؛ زیرا بانک تنها بعد از مطالبه مشتری، اقدام به خرید کالا می‌کند و حتی در صورتی که پس از مطالبه، مشتری کالایی که بانک برای وی تهیه کرده است را بخرد، بانک می‌تواند کالا را به شخص دیگری بفروشد. (همان)

۴-۶. بیع سلم (پیش‌فروش)

بیع سلم معامله‌ای است که در آن، فروشنده جنسی را می‌فروشد و قیمت آن را حالا تحویل می‌گیرد؛ اما جنس را بعداً به مشتری تحویل می‌دهد. بر اساس بیع سلم، به جای این که بانک به مشتریان خود، وام را با سود ربوی بدهد تا آن‌ها کالایی را برای سرمایه‌گذاری، تجارت یا نیازهای شخصی به صورت پیش‌فروش بخرند، خود بانک کالاهای موردنیاز مشتری را به صورت پیش‌فروش می‌خرد و بعد از سررسید مدت و تحویل گرفتن کالا، آن کالا را به مشتریان به قیمت مدت‌دار با سودی معین - که کم‌تر از سود ربوی نیست - می‌فروشد.

از همین روی، معامله پیش‌فروش می‌تواند جای‌گزین قرض ربوی در تأمین سرمایه شرکت‌های تجاری، نهادهای صنعتی، کشاورزی و ساختمانی شود، به این صورت که تولیدات آن‌ها را به صورت پیش‌فروش می‌خرد و وجه آن‌ها را - به جای وام با بهره (ربا) - به صورت نقدی و برای تأمین سرمایه به خودشان بازمی‌گرداند. زمانی که فعالیت شرکت‌ها به نتیجه رسید، صاحبان شرکت به عنوان وکیل بانک، تولیدات خود را به فروش می‌رسانند و وجه آن را به بانک می‌دهند. به این ترتیب، بانک با خرید محصولات شرکت‌ها به قیمت نقدی و به صورت پیش‌فروش، بیع سلم را جای‌گزین وام‌های ربایی می‌گرداند. (همان، ۶۰)

۵-۶. شرکت

شرکت یا شراکت عبارت است از قراردادی که بین دو نفر یا بیش‌تر منعقد می‌شود.



لازمه وجود شرکت این است که هر یک از افراد به منظور سودآوری و با پرداخت مبلغی، در پروژه معین تجاری، صنعتی یا کشاورزی سرمایه‌گذاری می‌کنند و سهم می‌شوند.

شرکت به جای این که از بانک با بهره ربوی قرض بگیرد، از بانک می‌خواهد بخشی از سرمایه شرکت را تأمین کند و این بخش، سهم مشارکت بانک شمرده می‌شود. بنابراین، بانک یکی از شریکان به حساب می‌آید. در نتیجه سرمایه شرکت از مجموع سهم بانک و سهم سرمایه‌گذاران (سپرده‌گذاران) تشکیل می‌شود و سهم هر یک از شریکان به تناسب درصد سهمشان مشخص می‌شود و سود نیز به همان نسبت بین شرکا تقسیم می‌گردد.

طبیعی است که سود بانک از سهام و مشارکت در شرکت‌های تجاری، صنعتی یا کشاورزی و مانند آن، کم‌تر از فایده‌ای نیست که از طریق اعطای وام‌های ربوی به مشتریان خود به دست می‌آورد؛ زیرا بانک به صورت اتفاقی و بدون محاسبه، به مشارکت و دریافت سهم از شرکت‌های سرمایه‌گذاری ورود نمی‌کند، بلکه بعد از بررسی میزان موفقیت و شناخت کافی از سهام‌داران آن شرکت - که دارای سابقه درخشان در عرصه‌های تجارت، صنعت و مانند آن باشد - اقدام به سرمایه‌گذاری می‌کند. برای بانک این امکان وجود دارد که در اداره کردن شرکت، خود سرمایه‌گذاران یا شخصی دیگر در کنار سرمایه‌گذاران را وکیل خود قرار دهد. در هر دو صورت، وکیل بانک، مسئول و ضامن خسارت‌ها نیست، مگر این که افراط و تفریط کرده باشد و مقصر شناخته شود. (همان، ۶۲)

۶-۶ تبدیل قرض به بیع

به این صورت است که بانک به جای این که مثلاً صد دینار را به ۱۱۰ دینار شش ماهه به مشتری خود وام بدهد، صد دینار را به ۱۱۰ دینار شش ماهه می‌فروشد و این کار ربا نیست. در توضیح مطلب باید گفت پول (اسکناس‌های امروزی) چون از جنس طلا و نقره نیست، جانشین آن‌ها نیز نیست. پس حکم طلا و نقره را (در مسئله ربا) نخواهد داشت. هم‌چنین از نوع مکیل و موزون هم نیست تا مساوات بین ثمن و

مؤمن در آن‌ها معتبر باشد. این در حالی است که در معامله طلا به طلا و نقره به نقره، مساوات بین ثمن و مؤمن معتبر است. بنابراین هیچ منعی وجود ندارد که اسکناس‌ها را به بیش‌تر از آن که در ذمه است، به صورت مؤجل بفروشد؛ به این صورت که شخص بیست دینار موجود را مثلاً به ۲۵ دینار کلی در ذمه به صورت مدت‌دار تا سه ماه بفروشد. (همان، ۶۳)

نتیجه‌گیری

ربا در اصطلاح به معنای زیادی در معامله یا قرض با شرایط خاص است و اقسام آن ربای معاوضی و قرضی است. آنچه در این تحقیق مورد واکاوی قرارگرفت ربای قرضی است؛ زیرا ربای قرضی بیشتر محل ابتلا بوده که امروزه این ربا در قالب معاملات و تبادلات بانک‌ها نمود بیشتر پیدا کرده است. حکم ربا در شریعت، مشخص است که حرام است. در این تحقیق به ادله حرمت ربای قرضی از طریق آیات و روایات پرداخته شده و فلسفه حرمت آن با توجه به فرمایش حضرات معصومین (علیهم السلام) بازنگری شد. فقهای اسلامی اعم از تسنن و تشیع در رابطه با حرمت ربای قرضی اجماع نظر داشته و امام خمینی (ره) ربای قرضی را باتمام شرایط پنج‌گانه آن، حرام دانسته است. هرچند بانک‌های سالم معمولاً اقدام به ارائه خدماتی می‌نمایند که هیچ‌کدام مخالف شرع نیست؛ اما به خاطر اینکه نظام بانکی از روند کاری سالم‌تر برخوردار گردد و بر اساس قوانین شرعی استوار شود، در عقد قراردادهای بانکی از عقود شرعی چون عقد مضاربه، شرکت، تبدیل قرض به بیع، بیع سلم عقد وکالت و بیع مرابحه استفاده نمایند که حکم همه اینها حلیت است. براین اساس می‌توان از ربا و گسترش اقتصاد و مال حرام در جامعه اسلامی جلوگیری کرد.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن قدامه، عبدالله بن احمد، (۱۳۸۸ق)، المغنی لابن القدامه، ریاض: دارعالم الكتب.
۲. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
۳. حلی، حسن بن یوسف، (۱۳۸۸ق)، تذکرة الفقهاء، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، المفردات فی غریب الفاظ القرآن، دمشق- بیروت: دارالعلم الدارالشامیه.
۵. العاملی، زین الدین الجبعی، (۱۳۹۸)، الروضة البهیه فی شرح لمعته الدمشقیه، قم: دارالتفسیر.
۶. فیاض، محمد اسحاق، (بی تا)، بانکداری از نگاه اسلام، قم: صاحب الامر (عج).
۷. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۸. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۹)، ربا و بانکداری اسلامی، قم: انتشارات امام علی ابن ابی طالب.
۹. موسوی خمینی، روح الله، (۱۳۸۵)، تحریر الوسیله، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رح).
۱۰. نجفی، محمد حسن، (۱۴۰۴ق)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۱۱. نوری، حسین بن محمد تقی، (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.

